

Risk Factors for Breach of Contract in Couples with Marital Infidelity

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Neda Atapour¹,
Khodabakhsh Ahmadi²,
Mohammad Reza Falsafinejad³,
Anahita Khodabakhshi Kolaei⁴

How to cite this article

Neda Atapour, Khodabakhsh Ahmadi, Mohammad Reza Falsafinejad, Anahita Khodabakhshi Kolaei, Risk Factors for Breach of Contract in Couples with Marital Infidelity, Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2020;4(4):31-40.

1. Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Measurement, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
3. Professor, Behavioral Sciences Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author).
4. PhD Student, Department of Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: kh_ahmady@yahoo.com

Article History

Received: 2020/07/25

Accepted: 2020/11/30

ePublished: 2021/01/30

ABSTRACT

Purpose: Today, breach of contract in marital relations has become a worrying one of the hidden social harms of society. The aim of this study was to study the process and contextual conditions of contract breaking in marital relationships.

Materials and Methods: This study was performed qualitatively with the foundation data theory method. The statistical population included couples with experience of breach of contract in marital relations in 2018 that 32 people were selected by purposive sampling and theoretical saturation criteria. Semi-structured interview method was used to collect information. Data were systematically analyzed in three stages of open, central and selective coding.

Findings: Analysis of the content of the information obtained from the interviews led to the identification of 10 sub-categories and 3 main categories including risk factors in the premarital life of the contractor (socio-environmental causes before marriage), how to get to know the spouse (get to know the spouse) And risk factors after marriage and during married life (socio-environmental causes after marriage) in the process of contract formation in marital relationships and 18 sub-categories and 3 main categories including intrinsic risk factors (individual and personality factors), interpersonal risk factors (Family and economic factors) and general risk factors (cultural and social) in the context of contextual conditions in the marital relationship.

Conclusion: Although most people considered the unfulfilled expectations of marriage and dissatisfaction with emotional-sexual needs in the marital relationship as the main reason for breaking the contract, but the influence of attitudes and personal characteristics should not be left to chance. In fact, disability breeding is due to several reasons that the formation process begins before marriage and individual, family-marital and social factors affect its.

Keywords: Infidelity, Breach of Contract, Extramarital Affairs, Infidelity, Marital Relations, Data Foundation Theory

عوامل خطر پیمان‌شکنی در زوج‌های دارای تجربه

خیانت زناشویی

ندا عطاپور^۱

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خدابخش احمدی^۲

استاد، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

محمدرضا فلسفی نژاد^۳

دانشیار، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

آناهیتا خدابخشی کولایی^۴

استادیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

چکیده

هدف: امروزه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به صورت نگران‌کننده‌ای به یکی از آسیب‌های اجتماعی پنهان جامعه تبدیل شده است. هدف پژوهش حاضر مطالعه فرایند و شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش کیفی و با روش نظریه داده بنیاد انجام شد. جامعه آماری شامل زوج‌های دارای تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی در سال ۱۳۹۷ بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، ۳۲ نفر انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. اطلاعات به روش سیستماتیک در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند.

یافته‌ها: تحلیل محتوای اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، منجر به شناسایی ۱۰ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی شامل عوامل خطر در زندگی قبل از ازدواج فرد پیمان‌شکن (علل اجتماعی-محیطی قبل از ازدواج)، چگونگی آشنایی با همسر (آشنایی با همسر) و عوامل خطر بعد از ازدواج و در حین زندگی زناشویی (علل اجتماعی-محیطی بعد از ازدواج) در زمینه فرایند شکل‌گیری پیمان‌شکنی در روابط زناشویی و ۱۸ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی شامل عوامل خطر درون‌فردی (عوامل فردی و شخصیتی)، عوامل خطر بین‌فردی (عوامل خانوادگی و اقتصادی) و عوامل خطر عمومی (فرهنگی و اجتماعی) در زمینه شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شد.

نتیجه‌گیری: با وجود اینکه اکثر افراد، برآورده نشدن توقعات ازدواج و عدم ارضای نیازهای عاطفی-جنسی در روابط زناشویی را دلیل اصلی پیمان‌شکنی می‌دانستند، اما نباید از تأثیر نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، عوامل کلان اجتماعی و تسهیل‌کننده در این زمینه غافل ماند. در واقع، پیمان‌شکنی معلول چند علیتی است که فرایند شکل‌گیری آن قبل از ازدواج شروع و عوامل فردی، خانوادگی-زناشویی و اجتماعی در بروز آن تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: خیانت، پیمان‌شکنی، روابط خارج از ازدواج، بی‌وفایی، روابط زناشویی، نظریه داده بنیاد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

* نویسنده مسئول: kh_ahmady@yahoo.com

مقدمه

اجتماعی بودن انسان به‌عنوان یک اصل وجودی از یک سو و از سوی دیگر آمیخته بودن وجود وی با طیف گسترده‌ای از نیازهای درونی، مانند نیازهای عاطفی و جنسی منجر به گرایش فرد به تبادلات و تعاملات اجتماعی به‌ویژه پیوند با جنس ناهمسان، برای ارضای این نیازها و حفظ امنیت درون فردی می‌شود (۱). پیوند میان دو جنس به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی برای ارضای نیازهای درون‌فردی و میان‌فردی اشخاص، اشکال و شیوه‌های گوناگونی دارد که اصلی‌ترین این روش‌ها ازدواج رسمی است؛ ازدواجی که به‌صورت قانونی و عرفی دو فرد را به شکل‌دهی و تداوم ارتباط میان فردی خویش تا پایان زندگی و به‌صورت انحصاری متعهد می‌کند، تمهیدی که زمینه‌ساز شکل‌گیری نهاد خانواده می‌شود. موفقیت پیوند زناشویی و استحکام نهاد خانواده متأثر از عوامل گوناگون در ابعاد درون‌فردی، میان‌فردی و محیطی است که یکی از اصلی‌ترین عوامل که پایداری پیوند یاد شده و سلامت نظام خانواده را مختل می‌سازد درهم شکستن تعهد انحصار روابط جنسی و عاطفی در چارچوب پیوند زناشویی یا همان پیمان‌شکنی زناشویی^۱ است (۲).

خیانت زناشویی در زمان تأهل به‌ویژه در جوامع شرقی موجب شوک عمیقی به شریک زندگی و خانواده می‌گردد. خیانت آسیبی است که در زندگی هر زوجی امکان اتفاق آن وجود دارد. خیانت زناشویی نوعی رابطه جنسی، عاطفی یا جنسی-عاطفی با فردی غیر از همسر است که از همسر پنهان می‌شود (۳). خیانت جنسی، داشتن رابطه جنسی یا قرار دادن منابع عاطفی از قبیل عشق، وقت و توجه به فردی غیر از همسر است (۴). بین این دو نوع خیانت جنسی و عاطفی تفاوت وجود دارد، اما کاملاً مجزا نیستند و اغلب ترکیبی از این دو نوع خیانت رخ می‌دهد. این آسیب می‌تواند آثار مخرب روانی و حتی روان‌تنی بسیاری بر زوجین برجای بگذارد؛ به گونه‌ای که خیانت یکی از دلایل عمده طلاق و از هم پاشیدن ازدواج است (۵). این پدیده به همراه خود موجب اختلالات روانی (اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی، اضطراب، وسواس و کابوس‌های شبانه) و روان‌تنی (گوارشی، قلبی-عروقی و تنفسی) است (۶). همچنین، مطالعات نشان می‌دهد، یکی از دلایل عمده همسر آزاری و همسرکشی در فرهنگ‌های مختلف پیمان‌شکنی است (۷). پیمان‌شکنی زناشویی در بُعد ارتباطی نیز مشکلاتی نظیر مرگ عاطفی، سردی عاطفی، عدم اعتماد به یکدیگر، تضعیف عملکردی در نقش‌های والدینی، مشکلات شغلی، ناراضی‌بندی ارتباطی، ناسازگاری ارتباطی، کاهش صمیمیت ارتباطی و نهایتاً طلاق را به دنبال دارد (۸؛ ۹).

شیوع پیمان‌شکنی زناشویی از پژوهشی به پژوهش دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است که شاید پنهان‌کاری، رازداری، ترس از بی‌آبرویی و محافظه‌کاری افراد در حسن پاسخ به سؤالات از عوامل این اختلافات باشد (۱۰). همچنین، این تفاوت تا حد زیادی می‌تواند ناشی از اختلافی باشد که در تعریف خیانت زناشویی نزد پژوهشگران و اندیشمندان مختلف وجود دارد (۱۱). عوامل دیگر مثل روش‌های گوناگون تحقیق و ابزارهای اندازه‌گیری و نحوه اجرای تحقیق در برآورد دقیق آمار پیمان‌شکنی اثر می‌گذارند (۱۲). تسپلاس، فیشر و آرونک (۸) در پژوهش خویش گزارش کردند که حدود ۹۰٪-۸۵٪ از افراد شرکت‌کننده در پژوهش موافق تک همسری و انحصار روابط جنسی و عاطفی با همسر بودند، ۷۰٪ از آن‌ها همواره نگران خیانت شریک زندگی (همسر) خود بودند و همچنین تعداد زیادی از آنها تجربه خیانت زناشویی را حداقل برای یک‌بار داشتند. بر اساس یکی دیگر از مطالعات انجام شده در آمریکا مشخص شده است که ۲۱٪ مردان و ۱۱٪ زنان در طی زندگی مرتکب پیمان‌شکنی می‌شوند

1. Marital Infidelity

بررسی روابط میان مقوله‌های اطلاعاتی است. در مطالعه‌های کیفی و بخصوص در نظریه داده بنیاد اطلاعات با استفاده از روش مصاحبه اکتشافی انجام می‌شود و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها همزمان انجام می‌شود تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند. براین اساس، در این تحقیق برای تعیین عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی، روایت‌ها و نقل قول‌های زوجینی که تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی را داشته‌اند، شنیده شد و برای این منظور از تکنیک مصاحبه استفاده شد. در مجموع در این مرحله ابتدا با مرور مبانی نظری و ادبیات پژوهش سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استخراج و سپس برای بررسی سؤالات از لحاظ محتوایی و کفایت تعداد، سؤالات در اختیار تعدادی متخصص و پژوهشگر حوزه خانواده قرار گرفت. پس از تدوین سؤالات نهایی، جلسات مصاحبه با زوج‌های مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها، کلینیک‌های مشاوره و روان‌شناسی اعم از خصوصی و دولتی شهر تهران در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ که تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی را داشته‌اند، انجام شد تا عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مشخص شود.

برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، به این صورت که از میان جامعه آماری، تعداد ۳۲ نفر از آن‌هایی که داوطلب همکاری بودند، انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا حد اشباع مقوله یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه‌ها هیچ اطلاعات جدیدی بدست نخواهد آمد، ادامه یافت. معیارهای انتخاب نمونه عبارتند از: الف) زوج‌هایی که حداقل یک بار زندگی زناشویی خود درگیر پیمان‌شکنی شده باشند، ب) بین ۱ تا ده سال از زندگی آن‌ها گذشته باشد، ج) عدم ابتلا به بیماری‌های حاد روانی (داشتن رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش).

کارگردآوری داده‌ها از مصاحبه‌ها و مشاهدات، تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کرد که ادامه گردآوری چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. یکی از نشانه‌های نقطه اشباع، روبه‌رو شدن با گردآوری داده‌های تکراری است. اطلاعاتی که از طریق مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری شده است. به موازات فرایند مصاحبه، یافته‌ها تحلیل شد و تعداد جلسات مصاحبه تا حد اشباع مقوله ادامه داشت تمام مکالمه‌ها روی نوار صوتی ضبط، و سپس به دقت روی کاغذ پیاده شدند. سپس متن‌های نسخه‌برداری شده مصاحبه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، در مجموع در این مرحله ابتدا با مرور مبانی نظری و ادبیات پژوهش سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استخراج شد و سپس برای بررسی سؤالات از لحاظ محتوایی و کفایت تعداد سؤالات در اختیار تعدادی از متخصصان و پژوهشگران حوزه خانواده قرار گرفت. پس از تدوین سؤالات نهایی، جلسات مصاحبه با زوج‌هایی مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها، کلینیک‌های مشاوره و سازمان بهزیستی شهر تهران که تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی داشته‌اند، انجام گرفت تا فرایند و عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مشخص شود. برای بررسی محتوای مصاحبه‌ها، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها از روش سیستماتیک^۴ استفاده شد. طرح تحقیق سیستماتیک در نظریه بنیاد داده، بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز^۵ (مفاهیم حاصل می‌شود)، کدگذاری محوری^۶ (مؤلفه‌ها به دست می‌آید) و کدگذاری انتخابی^۷ (محوریت داده‌ها کشف و طبقه مرکزی انتخاب می‌شود) تأکید دارد.

یافته‌ها

(۱۳). در سایر پژوهش‌ها ۴۴٪ در مردان و ۲۵٪ در زنان را اعلام نموده‌اند (۱۴). جونز و ویسر^۱ (۱۵) و ایندور و همکاران (۹) در پژوهش‌هایی که در آمریکا انجام دادند گزارش کردند که ۲۱ تا ۲۵٪ از مردان و ۱۵٪-۱۱٪ از زنان در طول زندگی خویش حداقل یک‌بار مرتکب خیانت زناشویی شده‌اند. این در حالی است تسپلاس و همکاران (۸) در پژوهش مشابهی که در آمریکا انجام دادند به این نتیجه رسیدند که وقوع خیانت زناشویی بین زنان آمریکایی ۷۰٪-۲۶٪ و بین مردان آمریکایی ۷۵٪-۳۳٪ است. مارک، جانسون و میل هاوزن^۲ (۱۶) نیز در پژوهش خویش نشان دادند که یک‌سوم مردان و یک‌چهارم زنان به‌طور میانگین حداقل یک‌بار خیانت زناشویی را در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند. در جامعه ایران نیز با وجود اینکه پژوهش ویژه‌ای درباره میزان و درصد شیوع پیمان‌شکنی در بین زوجین انجام نشده است ولی بسیاری از پژوهش‌ها مواردی از این بحران در بین زوجین را گزارش کرده‌اند (نوبی و محمدی‌اریا، ۱۷)؛ مومنی‌جاوید و نادری‌نوبان‌جانی، (۱۸). با این حال درصد شیوع پیمان‌شکنی در جوامع غربی در جامعه ایرانی صدق نمی‌کند. فحج این رفتار در جامعه ایران، باعث شده که آمار و ارقام دقیق رسمی و دقیق درباره آن وجود نداشته باشد. با این حال، متخصصان حوزه‌های حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اتفاق نظر دارند که این نوع رفتار در جامعه امروز ایران با روندی رو به‌رشد در حال گسترش است و تاکنون در گروه‌های اجتماعی گوناگون مشاهده شده است. از طرف دیگر سایر پژوهشگران، اختلال در روابط بین فردی نظیر نارضایتی عاطفی، نارضایتی جنسی، سبک دلبستگی ناایمن، افزایش تعاملات منفی نسبت به تعاملات مثبت را به‌عنوان علل خیانت گزارش می‌کنند و معتقدند که خیانت، حاصل نقص در رابطه زوجی است و تنها در رابطه ملال‌آور و آشفته اتفاق می‌افتد (۱۹). اگرچه پژوهش‌های انجام شده در زمینه پیمان‌شکنی زناشویی به دلایل متعددی برای این مسأله دست یافته‌اند، اما همچنان چرایی این مسأله به‌طور کامل مشخص نیست (۲۰). بنابراین با توجه به افزایش روزافزون بحران خیانت زناشویی در سطح جامعه و پیامدهای روانی و اجتماعی همراه آن و تأثیری که بر روابط زن و شوهری و بیکره و بنیان خانواده‌ها می‌گذارد، ضرورت مطالعه و تحقیق درباره بسترها و دلایل این پدیده، مهم و اساسی به نظر می‌رسد. از سوی دیگر مطالب پیشین ضرورت شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پیمان‌شکنی زناشویی و فرایند این پدیده را جهت طراحی و به کارگیری برنامه‌های پیش‌گیرانه و درمانی، برای کاهش این بحران و آسیب‌های مخرب آن را آشکار می‌سازد. از آنجا که موضوع پیمان‌شکنی زناشویی، از خصوصی‌ترین موضوع‌های فردی-خانوادگی است، تحقیق و پرسو-جو درباره فرایند چگونگی آن، تنها از طریق گفتگو و مصاحبه رو در رو امکان‌پذیر است. بنابراین پژوهش حاضر فرایند و شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی را به شیوه کیفی و روش‌شناسی گراند تئوری و با استفاده از تجارب زیسته افرادی که درگیر این پدیده بوده‌اند، مورد بررسی قرار داده است.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد^۳ انجام گرفت. روش داده بنیاد روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. فرایند نظریه داده بنیاد مستلزم استفاده از چندین مرحله گردآوری اطلاعات، پالایش و

4. Systematic

5. Open Coding

6. Axial Coding

7. Selective Coding

1. Stephanlo & Olla

2. Mark, Janssen & Milhausen

3. Grounded Theory

از مجموع ۳۲ نفر از زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، ۲۱ نفر زن و ۱۱ نفر مرد بودند. دامنه سنی زنان با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مورد مطالعه ۲۶ تا ۵۶ سال با میانگین سنی ۳۸/۷۵ سال و دامنه سنی مردان با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مورد مطالعه ۲۹ تا ۶۱ سال با میانگین سنی ۴۲/۶۷ سال بود. میانگین سنی تمامی زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی که در این مرحله از پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند، ۳۹/۷۱ سال بود. ۱۵ نفر از آنان دارای تحصیلات دیپلم، ۱۰ نفر لیسانس و ۷ نفر نیز دارای تحصیلات زیردیپلم بودند. بین ۴ تا ۳۰ سال از زمان ازدواج زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مورد مطالعه گذشته بود؛ میانگین زمانی که از ازدواج آنان گذشته بود ۱۸/۰۹ سال بود. همچنین، دامنه عمر ازدواج زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مورد مطالعه ۱۶ تا ۳۰ سال با میانگین ۲۱ سال بود. تمامی زوج‌هایی با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی که در این مرحله از پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند، دارای فرزند بودند، به این صورت که ۱۹ نفر از آنان ۱ فرزند، ۹ نفر ۲ فرزند و ۴ نفر از آنان ۳ فرزند، داشتند. اکثریت زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی مورد مطالعه در این مرحله از پژوهش یعنی ۲۱ نفر شاغل و مابقی بی‌کار یا خانه‌دار بودند؛ از این بین ۹ نفر از زنان و تمامی مردان شاغل بودند. همسران تمامی زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شاغل بودند. وضعیت اقتصادی-اجتماعی اکثریت آنان متوسط بود، ۸ نفر وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف و ۴ نفر وضعیت اقتصادی-اجتماعی خوبی داشتند. اکثریت زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی، یعنی ۱۸ نفر گزارش کردند که از طریق خانواده یا دوستان با همسر خود آشنا شده‌اند، ۷ نفر در محل کار، ۴ نفر در دانشگاه و ۳ نفر در مهمانی با همسر خود آشنا شده بودند. همچنین، اکثریت زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی، یعنی ۲۴ نفر گزارش کردند که از روی علاقه با همسر خود ازدواج کرده‌اند، ۸ نفر هم به اصرار خانواده با همسر خود ازدواج کرده بودند. از این بین نیمی از آنان گزارش کردند که قبل از ازدواج با هم رابطه دوستی و آشنایی داشته‌اند، ولی نیمی هم گزارش کردند که هیچ‌گونه رابطه‌ای قبل از ازدواج نداشته‌اند. میانگین استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی مجازی در طول روز ۴/۵ ساعت بود. اکثریت زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی گزارش کردند که خیلی کم ماهواره تماشا می‌کنند، ولی تمامی آنان گزارش کردند، فیلم‌های پورن را تماشا کرده‌اند. در نهایت، اکثریت زوج‌های با تجربه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی یعنی ۲۱ نفر گزارش کردند که همسرشان پیمان‌شکن بوده و ۱۱ نفر هم گزارش کردند که خودشان پیمان‌شکن بوده است.

تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۱۰ زیرمضمون (طبقه فرعی) و ۳ مضمون اصلی (طبقه اصلی) در زمینه فرایند شکل‌گیری پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شد. جدول ۱ مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی مربوط به فرایند پیمان‌شکنی در روابط زناشویی را که از مصاحبه‌ها به دست آمده‌اند، نشان می‌دهد.

جدول ۱. مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی مربوط به فرایند پیمان‌شکنی در روابط زناشویی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
	آسیب‌های خانوادگی	جدایی والدین از یکدیگر، سردی عاطفی والدین، درگیری‌های شدید و مداوم پدر و مادر با هم، خشونت توسط اعضای خانواده، درگیری و مشاجره بین اعضای خانواده
عوامل خطر در زندگی قبل از ازدواج فرد پیمان شکن (علل اجتماعی-محیطی قبل از ازدواج)	الگوی خیانت در خانواده	الگوی پدر پیمان‌شکن، الگوی مادر پیمان‌شکن
	تجارب روابط قبل از ازدواج	رابطه دوستی با جنس مخالف، عادی شدن ارتباط با جنس مخالف، عادت کرد به رابطه با جنس مخالف، مقایسه همسر با افرادی که ارتباط داشته، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج
	رسانه‌های الکترونیکی و	عادی جلوه داده رابطه با جنس مخالف در ماهواره و فیلم و سریال‌ها، فرصت تعامل با

مجازی	جنس مخالف در فضای مجازی، چت‌های شهوانی در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، عادی جلوه دادن ارتباط با جنس مخالف در فضای مجازی
اختلافات سنی و فرهنگی-اجتماعی	تفاوت سنی، ازدواج زود هنگام، ازدواج بدون علاقه، اختلاف طبقاتی و فرهنگی
چگونگی آشنایی با همسر (آشنایی با همسر)	انتخاب همسر صرفاً به دلیل شاغل بودن و شرایط مالی، انتخاب همسر صرفاً بر اساس معیارهای زیبایی
انتخاب اجباری	انتخاب برای فرار از جو خانه پدری، انتخاب به اجبار خانواده، انتخاب برای فرار از بیکاری، انتخاب برای فرار از مجرد ماندن
مشکلات جنسی	ناتوانی جنسی مرد، بی میلی جنسی زن، عدم تمکین از زن مرد، زود ارضایی مرد
عوامل خطر بعد از ازدواج و در حین زندگی زناشویی (علل اجتماعی-محیطی بعد از ازدواج)	خلأ عاطفی، عدم درک و همدلی، از بین رفتن عشق، عدم احساس خوشبختی، نادیده گرفته شدن
مشکلات عاطفی	ضعف مالی خانواده، کسب درآمد برای کسب پول جهت رفع نیازهای اقتصادی، بیکاری همسر، وابستگی مالی به شوهر و نداشتن خانواده حمایت‌گر
مشکلات اقتصادی	اعتیاد به فضای مجازی، اعتیاد به مواد مخدر
اعتیاد	همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها، ۳ مقوله اصلی به منزله فرایند شکل‌گیری پیمان شکنی در روابط زناشویی به دست آمد: (الف) عوامل خطر در زندگی قبل از ازدواج فرد پیمان شکن (علل اجتماعی-محیطی قبل از ازدواج): شامل بحران‌های خانوادگی، الگوی خیانت در خانواده، تجارب و رسانه‌ها، (ب) چگونگی آشنایی با همسر (آشنایی با همسر): شامل اختلافات سنی، فرهنگی و اجتماعی، انتخاب اجباری و انتخاب اجباری و (ج) عوامل خطر بعد از ازدواج و در حین زندگی زناشویی (علل اجتماعی-محیطی بعد از ازدواج): مشکلات جنسی، مشکلات عاطفی و مشکلات اقتصادی و اعتیاد. در ادامه، به نمونه‌هایی از اظهارات افراد شرکت‌کننده در جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های فرعی و عوامل خطر درون فردی (مقوله اصلی) پیمان شکنی در روابط زناشویی
مقوله‌های اصلی	مفاهیم
مقوله‌های فرعی	مفاهیم
سوءظن و بدبینی	رفتارهای فریبکارانه، اعمال کنترل بر همسر، خودکامگی، بدبینی، سوءظن، خودمحوری، تهمت، کنترل بیش از حد، حساسیت‌های زیاد همسر و بی‌وفایی از سر لجبازی.
تنوع‌طلبی جنسی	میل به تجربه ارتباط با افراد مختلف، هیجان‌خواهی و کنجکاوی جنسی، خسته شدن از یک فرد تکراری، تمایل به تجربه اندام‌های مختلف، احساس محدودیت در ازدواج، زنده نگه داشتن شورجنسی از طریق رابطه با زنان مختلف، خیال پردازی‌های جنسی در مورد اندام‌های مختلف.
خودشیفتگی	توجه‌طلبی پایدار، خودپسندی افراطی، تکبر، فقدان همدلی، بهره‌کشی در روابط بین فردی، تمرکز شدید بر خود همراه با غرق شدن در تحسین خود و احساس برتری و پیشاهنگ بودن.
عوامل خطر درون فردی (عوامل فردی و شخصیتی)	ضعف اعتماد به نفس
ضعف اعتماد به نفس	رفع نقایص مهارت‌های جنسی خود، رفع هرگونه ترس در برقراری رابطه با همسر، به دست آوردن اعتماد به خود در رابطه عاطفی، کسب اعتماد به خود اعتماد به نفس در زمینه رابطه جنسی، کسب مهارت‌های عاطفی به طور کامل.
عدم تعهد و پایبندی	نداشتن باورهای دینی و مذهبی، عدم پایبندی مذهبی به حرام بودن این رابطه، اعتقاد به آزادی جنسی مردان (تأکید بر آزادی مردان در رابطه عدم تعهد عاطفی و جنسی)، بی‌مسئولیتی همسر، اعتقاد به خوب بودن این رابطه به دلایل ارضای جنسی و عاطفی زنی دیگر، عدم پایبندی به انحصاری بودن رابطه عاطفی، عدم پایبندی به انحصاری بودن رابطه جنسی، تأکید بر روابط فرازناشویی در صورت ناتوانی دائمی و موقتی همسر
برون‌گرایی	رفیق‌بازی همسر و تمایل زیاد به بیرون رفتن با همکارها و دوستان از جنس مخالف، پرحرفی و تماس‌های مکرر با افراد دیگر، احساس انزوی در روابط با افراد دیگر، لذت بردن از مرکز توجه بودن
تنوع‌طلبی جنسی، خودشیفتگی، ضعف اعتماد به نفس، عدم تعهد و پایبندی و برون‌گرایی بود.	همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، یکی از مقوله‌های اصلی که بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها به منزله عامل خطر پیمان شکنی در روابط زناشویی به دست آمد، عوامل خطر درون فردی (عوامل فردی و شخصیتی)، شامل سوءظن و بدبینی،
مقوله‌های اصلی	مفاهیم
مقوله‌های فرعی	مفاهیم
عوامل خطر	بد اخلاقی و بد دهنی شوهر، توهین و تحقیر توسط همسر، دست بزن داشتن، خشونت جسمی، توهین، خشونت

تهمت، فحاشی و بداخلاقی، توهین، تهمت، فحاشی و بداخلاقی خانواده همسر، درگیری و مشاجره با همسر، غرزدن‌های مداوم و رفتار تحمل‌ناپذیر همسر، رفتارهای تحقیرآمیز همسر.	فیزیکی و کلامی	بین‌فردی (عوامل خانوادگی و زناشویی)
عدم لذت جنسی از همسر خویش، ضعف مهارت‌های جنسی همسر، ناتوانی همسر از پاسخدهی پیوسته به درخواست‌های جنسی، ناتوانی همسر از ارضای خیال‌پردازی‌های جنسی، عدم توافق در مورد روش‌های سکس، نداشتن جذابیت جنسی، ناتوانی در تحریک جنسی به اندازه کافی، مشکلات جنسی، اصرار شوهر بر رابطه زمانی که زن آمادگی ندارد، بی‌توجهی به خواسته‌های طرف مقابل، بی‌توجهی به نظافت شخصی، آماده نکردن برای رابطه، امتناع از برقراری رابطه جنسی، ناتوانی جنسی همسر، تحقیر همسر به خاطر داشتن میل جنسی زیاد، یکنواخت بودن رابطه، عدم ابراز احساسات عاطفی و عاشقانه در رابطه، تأثیر اعتیاد همسر بر رابطه جنسی، طولانی بودن رابطه همسر به خاطر مصرف مواد، انزال دیررس همسر، امتناع از رابطه جنسی و دردناک بودن رابطه به دلیل تنفر از همسر، عدم احساس راحتی در رابطه جنسی و صحبت در مورد آن، تن دادن به رابطه به عنوان وظیفه، برقراری رابطه از روی عادت، تن دادن به رابطه برای به دست آوردن امتیاز، عدم ارضاء در رابطه، دوست نداشتن رابطه جنسی با همسر، خودارضایی به دلیل مشکلات جنسی همسر، عصبانیت به خاطر برآورده نشدن نیازهای جنسی، میل جنسی زیاد همسر و ناتوانی طرف مقابل در برآوردن نیازهای جنسی همسر، تماشای فیلم‌های سکسی در حین رابطه جنسی با همسر، لذت نبردن از رابطه، تصویرسازی با شریک جنسی در رابطه با همسر، بهاء ندادن شوهر به پوشش و نظافت شخصی، کاهش رابطه جنسی	مشکلات جنسی	
بی‌توجهی همسر نسبت به نیازهای عاطفی، عدم درک عاطفی متقابل، عدم ارضاء نیازهای عاطفی، عدم رضایت نسبت به برخی از عادات همسر، عدم رضایت نسبت نحوه ابراز محبت همسر، عدم رضایت از رابطه عاطفی حسن رابطه جنسی، فقدان توجه، بی‌محلی از طرف شوهر، برخورد بچه‌گانه با زن، ناراضی‌های عاطفی، نبود خوشی کافی در رابطه با همسر، فقدان محبت و صمیمیت از طرف همسر، تعریف نکردن از همسر، احساساتی و هیجانی بودن زن در مقابل روتین و آرام بودن مرد، جذابیت نداشتن همسر به دلیل بی‌توجهی به ظاهر، ناراضی‌های از ظاهر همسر، تنبلی و شلختگی و نداشتن رفتارهای جذاب.	مشکلات عاطفی	
داشتن زندگی کسالت بار (محیط خشک، سرد و بی‌روح)، کم حرف بودن و صحبت نکردن شوهر (سکوت طولانی)، گوش نکردن به همسر، قابل اتکا نبودن شوهر، داشتن احساس برتری به همسر، بی‌احترامی به خانواده همسر، اختلاف با خانواده همسر، توجه بیش از اندازه به خانواده خود و غفلت از خانواده همسر، اختلاف با خانواده همسر، تنفر از همسر، بی‌غیرتی شوهر به دلیل اعتیاد، عدم تحقق انتظارات از ازدواج، ایراد گرفتن از همسر، فاصله سنی و تفاوت بین خصوصیات اخلاقی و رفتاری با خانواده، قهرهای طولانی با همسر، پشیمانی از ازدواج در دوران عقد، عدم درک از سوی همسر، اختلاف سلیقه، رسیدن به بن بست و نداشتن وجه اشتراک با همسر، تهدید به طلاق توسط همسر، عدم اعتقاد به همسر و بهاء ندادن به او، مطرح شدن بحث طلاق به دلیل اختلافات.	دلزدگی زناشویی	
تلافی بی‌توجهی‌های جنسی، تلافی عدم ارضای خیال‌پردازی‌های جنسی، تلافی عدم پاسخگویی به درخواست‌های جنسی مکرر، تلافی آزار و اذیت و سخت‌گیری، تلافی بدبینی‌های ارتباطی، تلافی بی‌توجهی‌های عاطفی.	انتقام	
خشونت توسط اعضای خانواده، آزار جنسی، طلاق والدین، اعتیاد والدین، مشاجره و درگیری بین والدین، فرار از محیط متشنج خانه، مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، ازدواج تحمیلی، سن پایین و ترس از عواقب انتخاب، عدم طلاق بخاطر نگران آبروی والدین بودن، مشکلات خانه پدری و فقدان حق طلاق برای زن، قطع ارتباط با خانواده پدری.	عوامل مربوط به خانواده منشأ	

بین‌فردی (عوامل خانوادگی و اقتصادی)، شامل خشونت فیزیکی و کلامی، مشکلات جنسی، مشکلات عاطفی، دلزدگی زناشویی، انتقام و عوامل مربوط به خانواده منشأ بود.

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، یکی دیگر از مقوله‌های اصلی که بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها به منزله عامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به‌دست آمد، عوامل خطر

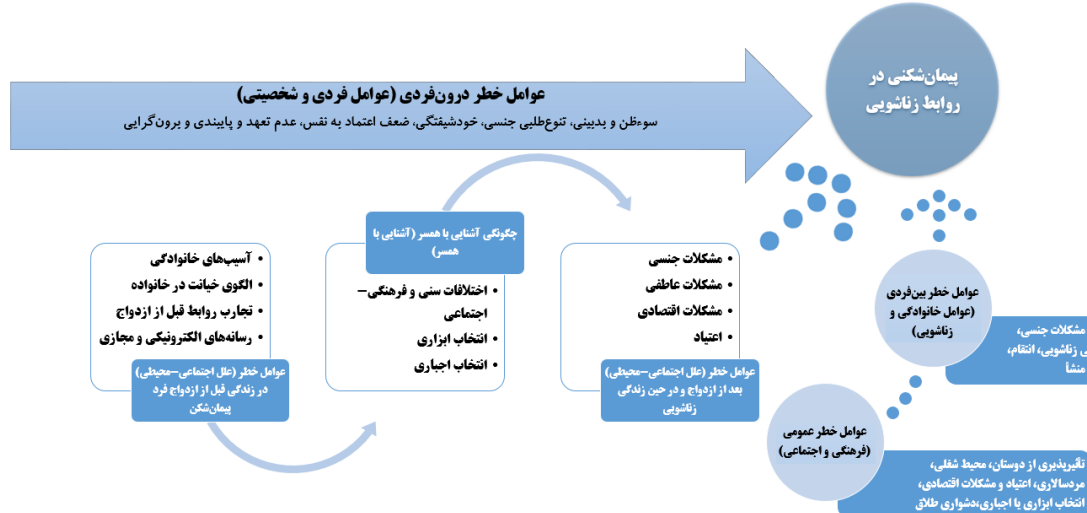
جدول ۴: مفاهیم، مقوله‌های فرعی و عوامل خطر عمومی (مقوله اصلی) پیمان‌شکنی در روابط زناشویی

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
دوستان (چشم و هم‌چشمی با دوستان در دوست پسر داشتن و رابطه فرازنشویی)، رابطه با دوستان خائن، حفظ رابطه قبلی با دوست‌های از جنس مخالف قبلی، ایجاد آمادگی ذهنی و ترغیب به رابطه خارج از ازدواج، ایجاد نگرش مثبت به بی‌وفایی.	تأثیرپذیری از دوستان	دوستان
مشکلات ناشی از شغل شیفتی همسر (شب‌کاری)، کار کردن در یک محیط زنانه، سروکله زدن زیاد با مشتری‌های از جنس مخالف، دوری طولانی مدت از همسر خویش به دلیل فعالیت‌های شغلی، عدم وجود هرگونه کنترل از جانب همسر.	محیط شغلی	محیط شغلی
امکان صیغه کردن، مسامحه همسر بعد از افشای رابطه، اغماض جامعه در خصوص خیانت مردان.	مردسالاری	مردسالاری
ضعف مالی خانواده، کسب درآمد برای کسب پول جهت رفع نیازهای اقتصادی، اعتیاد و بیکاری همسر، وابستگی مالی به شوهر و نداشتن خانواده حمایت‌گر	اعتیاد و مشکلات اقتصادی	اعتیاد و مشکلات اقتصادی
عدم آزادی در انتخاب همسر، تفاوت سنی زیاد مرد از زن، انتخاب همسر به دلیل شاغل بودن، انتخاب همسر برای نیاز جنسی، انتخاب برای فرار از جو خانه پدری، انتخاب به اجبار خانواده، انتخاب برای فرار از بیکاری، انتخاب برای فرار از مجرد ماندن، انتخاب همسر توسط والدین و خانواده، ازدواج به خاطر اموال طرف مقابل، ازدواج از روی ترحم، ازدواج به خاطر اجبار	انتخاب ابزاری یا اجباری	انتخاب ابزاری یا اجباری
به خاطر بچه‌ها، دلسوزی برای شوهر، اعتماد به نفس پایین و ترس از عواقب طلاق، نگران والدین بودن، وابستگی مالی به شوهر و نداشتن خانواده حمایت‌گر، فقدان حق طلاق برای زن	دشواری طلاق	دشواری طلاق

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، یکی دیگر از مقوله‌های اصلی که بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها به منزله عامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به دست آمد، عوامل خطر عمومی (فرهنگی و اجتماعی)، تأثیرپذیری از دوستان، محیط شغلی،

مرد سالاری، اعتیاد و مشکلات اقتصادی، انتخاب ابزاری یا اجباری و دشواری طلاق بود.

در شکل ۱ مدل فرایند و شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی، نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل فرایند و شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه فرایند و شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی بود. بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها، ۳ مقوله اصلی، عوامل خطر در زندگی قبل از ازدواج فرد پیمان‌شکن (علل اجتماعی-محیطی قبل از ازدواج)، چگونگی آشنایی با همسر (آشنایی با همسر) و عوامل خطر بعد از ازدواج و در حین زندگی زناشویی (علل اجتماعی-محیطی بعد از ازدواج) در زمینه فرایند شکل‌گیری پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به دست آمد. به این معنا که هر وقت عوامل خطر در زندگی قبل از ازدواج، شامل بحران‌های خانوادگی، الگوی خیانت در خانواده، تجارب و رسانه‌ها محیا باشند و این عوامل با انتخاب همسر انتخابی اجباری یا ابزاری و اختلافات سنی، فرهنگی و اجتماعی همراه باشد و از همان ابتدای زندگی مشترک، بین مرد و زن عشق و علاقه یا نباشد و زوجین نتواند نیازهای عاطفی-جنسی هم را

همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، پیمان‌شکنی در روابط زناشویی طی فرایندی قبل از ازدواج شروع می‌شود، سپس با چگونگی انتخاب و آشنایی با همسر ادامه می‌یابد و به عوامل خطر بعد از ازدواج و در حین زندگی زناشویی می‌رسد که مجموعه این عوامل منجر به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی می‌شود. البته این فرایند با فراهم شدن شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی، شامل عوامل خطر درون‌فردی (عوامل فردی و شخصیتی) که در طول فرایند شکل‌گیری پیمان‌شکنی تداوم می‌یابد و عوامل خطر بین‌فردی (عوامل خانوادگی و اقتصادی) و عوامل خطر عمومی (فرهنگی و اجتماعی) که بعد از ازدواج و در حین زندگی زناشویی شکل می‌گیرند، در نهایت منجر به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی می‌شود.

طریق پیمان‌شکنی در روابط زناشویی تمامی بی‌توجهی‌های جنسی، عدم ارضای خیال‌پردازی‌های جنسی، آزارهای ارتباطی، بی‌توجهی‌های عاطفی و بدبینی‌های بین فردی همسرشان را تلافی می‌کنند.

در تبیین این یافته به طور کلی می‌توان گفت نیازهای عاطفی و جنسی از اصلی‌ترین نیازهای بشری است که افراد جهت ارضای متداوم آن، تصمیم به ازدواج و ورود به روابط زناشویی می‌گیرند. زمانی که رابطه زوجی توانایی ارضای این نیازها را مطابق با انتظارات طرفین نداشته باشد، بدیهی است که زوج‌ها احتمال گرایش‌شان به راه‌حل‌های جایگزین نظیر گرایش به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی افزایش یابد. بسیاری از افراد جهت رهایی از تنشی که عدم ارضای نیازهای عاطفی و جنسی در آنها ایجاد می‌کند به سمت پیمان‌شکنی در روابط زناشویی گرایش پیدا می‌کنند و ثبات سیستم زوجی خود را در معرض تزلزل قرار می‌دهند. از سوی دیگر برخی از افراد عقیده دارند که رابطه عاطفی و جنسی صرفاً محدود به روابط زناشویی نیست و هر فردی این حق را دارد که وارد روابط دیگری با ماهیت عاطفی-جنسی شود و نیازهای خود را در طی آن نیز ارضا کند. چنین افرادی فاقد هرگونه پای بندی نسبت به تعهدات عاطفی و جنسی خود به همسر هستند و فردگرایی مفرطشان زمینه را برای گرفتارشدنشان در آسیب و معضل پیمان‌شکنی فراهم می‌کند. درواقع برخی از مشارکت کنندگان تأکید داشتند که رابطه جنسی مطلوبی با همسر خود ندارند، انتظارات و خیال‌پردازی‌های جنسی‌شان ارضا نمی‌شود، همسرشان فاقد هرگونه جذابیت و مهارت جنسی است، همواره در جریان رابطه زناشویی خود مورد بی‌مهری، بی‌تفاوتی و حتی آزار عاطفی قرار می‌گیرند، هیچ‌گونه رضایتی از همسر خود ندارند و پیوندشان سرشار از کسالت است، آزادی جنسی-عاطفی را هم برای زن و هم برای مرد لازم می‌دانند و هیچ‌گونه اعتقاد و پای بندی به انحصاری بودن رابطه عاطفی-جنسی با همسر ندارند. لذا، بدیهی است که وجود چنین خصایصی به مرور زمینه را برای ورود به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی و تداوم آن فراهم کند. از دلایل اصلی ازدواج برقراری پیوندی توأم با صمیمیت جنسی و عاطفی بین دو جنس می‌باشد و توانایی ارضای یکدیگر در این زمینه را ندارند، احتمال گرایش‌شان به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی نسبت به سایر زوج‌ها بیشتر می‌باشد (۲۵).

در نهایت، در سطح عمومی، تأثیرپذیری از دوستان، محیط شغلی، مرد سالاری، اعتیاد و مشکلات اقتصادی، انتخاب ابزاری یا اجباری و دشواری طلاق به عنوان شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شناسایی شدند. این یافته با نتایج پژوهش عبدالملکی و آزاده (۲۱) که نشان دادند عوامل فرهنگی-اجتماعی، مانند ازدواج اجباری، دلبستگی به خانواده منشأ و دخالت آنان از عوامل زمینه‌ساز پیمان‌شکنی در روابط زناشویی هستند، همخوانی دارد. همچنین، این یافته با نتایج پژوهش فاتح (۲۶) که نشان دادند محرک‌های اجتماعی، مانند ازدواج اجباری، روابط قبل از ازدواج، ازدواج در سن پایین از عوامل زمینه‌ساز پیمان‌شکنی در روابط زناشویی هستند، همخوانی دارد. این یافته نیز با نتایج پژوهش حبیبی‌عسگرآباد و حاجی‌حیدری (۲۷) همخوانی دارد؛ آنان در گزارش نتایج پژوهش خود مسائل محیطی و مسائل اقتصادی را به عنوان عواملی که احتمال پیمان‌شکنی در روابط زناشویی در زوجین را افزایش می‌دهند، شناسایی کردند. به علاوه، این یافته با نتایج پژوهش فتحی و همکاران (۲۲) که عوامل اجتماعی مانند نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه درباره بی‌وفایی مردان، تأثیر دوستان و ماهواره و فیلم‌های مستهجن و نقش تسهیل‌گری اینترنت و تلفن همراه در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف، داشتن شغلی که امکان تعامل و ارتباط بیشتر با جنس مخالف را فراهم می‌کند را به عنوان عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شناسایی

برآورده کنند و این زوجین در شرایطی قرار بگیرند که نتوانند نیازهای خود را نسبت به همدیگر ابراز کنند، بین آنها ناراضی وجود می‌آید و این ناراضی احتمالاً منجر به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی می‌گردد.

به علاوه، بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها، ۳ مقوله اصلی عوامل خطر درون‌فردی (عوامل فردی و شخصیتی)، عوامل خطر بین‌فردی (عوامل خانوادگی و اقتصادی) و عوامل خطر عمومی (فرهنگی و اجتماعی) در زمینه شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به دست آمد. در سطح درون‌فردی، سوء ظن و بدبینی، تنوع‌طلبی جنسی، خودشیفتگی، ضعف اعتماد به نفس، عدم تعهد و پایبندی و برون‌گرایی به عنوان شرایط بافتی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شناسایی شدند. این یافته با نتایج پژوهش عبدالملکی و آزاده (۲۱) که نشان دادند سوء ظن و بدبینی رابطه مثبتی با پیمان‌شکنی در روابط زناشویی دارد، همخوانی دارد. همچنین این یافته با نتایج پژوهش‌های چوپانی^۱، فتحی، فکرآزاد، غفاری و بوالهروی (۲۲) که عوامل فردی مانند تنوع‌طلبی جنسی، عدم پایبندی مذهبی، کسب اعتماد به نفس، انتقام، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی را به عنوان عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی شناسایی کردند، همخوانی دارد. نتایج پژوهش آلتگلت^۱ و همکاران (۲۳) و مک‌نولتی و ویدمن^۲ (۲۴) که برون‌گرایی و خودشیفتگی را به عنوان عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی گزارش کردند نیز با این یافته پژوهش حاضر همسو است. در تبیین کلی این یافته می‌توان گفت هرچه سطح تنوع‌طلبی افراد بیشتر باشد، تمایلشان به تجربه ارتباط با افراد مختلف نیز بیشتر خواهد بود. درواقع چنین افرادی لذت ارتباط‌های متنوع برایشان به حدی است که حتی حاضر هستند که تداوم و امنیت زندگی زناشویی خود را در معرض خطر قرار دهند. پای‌بندی درونی به اعتقادات مذهبی جدای از اینکه می‌تواند یک عامل بازدارنده باشد، فقدانش زمینه را برای گرایش افراد به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی فراهم می‌کند. درواقع اصول و مبانی دینی همواره تک همسری را مورد تأیید قرار داده و افراد را از پرداختن به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی نهی کرده است. عدم پای‌بندی به اعتقادات دینی در این زمینه، به مرور گرایش افراد را به پیمان‌شکنی در روابط زناشویی تسهیل می‌بخشد. روابط زناشویی زمانی که برای یکی از طرفین مملوء از آزارهای عاطفی، جنسی و تعاملی باشد، زمینه را برای گرایش فرد قربانی به روابط بیرونی و پنهان‌بر تمامی تعهدات زوجی فراهم می‌کند. برخی از افرادی که به سمت پیمان‌شکنی گرایش دارند، بر این عقیده تأکید دارند که همواره از جانب همسرشان مورد آزار و یا بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند و حقوقشان آنگونه که باید رعایت نمی‌شود. لذا برای مخالفت با چنین وضعیتی به سمت روابط بیرونی گرایش پیدا می‌کنند و بدین شکل ضمن ارضای نیازهای کارکردی خود، انتقام خویش را از همسر آزارگر می‌گیرند. به علاوه، فردگرایی و حاکم شدن ذهنیت مادی‌گرا و جسم‌گرا در زندگی، خودخواه و مصلحت‌گرا شدن افراد و لذت‌طلبی جسمانی از مهمترین عوامل خطر فردی پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به شمار می‌روند. در واقع، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که تمایل زیادی به تجربه رابطه با افراد مختلف دارند، از ارتباط پیوسته و متداوم با یک فرد خیلی زود خسته می‌شوند، ارتباط با افراد مختلف را لازمه حفظ شور جنسی می‌دانند، پایبندی به باورهای مذهبی ندارند، تأکید مذهب بر تک همسری و انحصاری بودن رابطه عاطفی-جنسی را قبول ندارند، اعتقاد زیادی به آزادی جنسی مخصوصاً برای مردان دارند، پیمان‌شکنی در روابط زناشویی را ابزاری برای کسب مهارت‌های عاطفی و جنسی می‌دانند و وجود آن را لازمه کسب اعتماد به نفس ارتباطی می‌دانند و نهایتاً اینکه از

¹ Altgelt

² McNulty & Widman

6. Fincham FD, May, RW. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*; 13: 70-4.
7. Shaygan F, Motamedi S. (2014). Investigating the effect of social factors on women's delinquency (Comparison of delinquent women with non-delinquent women under the auspices of Robat Karim welfare.
8. Tsapelas I, Fisher HE, Aron A. (2010). "Infidelity: when, where, why." IN WR Cupach and BH Spitzberg, *The Dark Side of Close Relationships II*, New York: Routledge; 175-196
9. Eindor T, Perry PA, Hirschberger G, Birnbaum EG, Deutsch D. (2015). Evolution and human behavior. *Evolution and Human Behavior*; 36(1): 17-24.
10. Rahimi A. (2013). Investigating the interactive pathology of the relationship between couples before and after breaking the covenant and husbands among injured women in Isfahan. Master Thesis in Psychology, Islamic Azad University, Tehran Research Sciences Branch.
11. Weiser AD, Weigel JD. (2015). Personality and individual differences. *Journal of Personality and Individual Differences*; 85(1): 176-81.
12. Khedmatgazar H, Bolhari J, Kremloo, S. (2014). Spouse infidelity: methods to prevent and deal with infidelity. Tehran: Qatre.
13. Snyder DK, Baucom DK, Gordon, KC. (2017). Treating infidelity: An integrative approach to resolving trauma and promoting forgiveness. In: Peluso PR, editor. *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York: Routledge.
14. Wright R. (1994). *The moral animal*. New York: Vintage Books.
15. Jones ND, Weiser AD. (2014). Differential infidelity patterns among the Dark Triad. *Journal of Personality and Individual Differences*; 57(1): 20-4.
16. Mark KP, Janssen E, Milhausen RR. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*; 40(5): 971-82.
17. Navai J, Mohammadia A. (2015). Investigating the Relationship between Incompatible Primary Schemas and Justifying Extramarital Relationships

کردند، همخوانی دارد. نتایج پژوهش کوروکی^۱ (۲۸) که تعداد همکاران جنس مخالف برای مردان و خوداشتغالی برای زنان را به عنوان عوامل خطر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی گزارش کردند نیز با این یافته پژوهش حاضر همسو است. در نهایت، این یافته پژوهش حاضر به طور کلی با نتایج پژوهش ژانفرو، جورچ و مونگ^۲ (۲۹) که نشان دادند پشتیبانی از طرف دوستان برای روابط خارج از ازدواج از عوامل مؤثر بر پیمان‌شکنی در روابط زناشویی است، همخوانی دارد.

این یافته‌ها از یک سو لزوم توجه بیشتر به مسأله پیمان‌شکنی را آشکار و از سوی دیگر با شناسایی فرایندها، علل و عوامل خطر ساز، اطلاعات و زمینه کافی جهت تدوین و به کارگیری برنامه‌های درمانی و پیش‌گیرانه در زمینه پیمان‌شکنی در روابط زناشویی را تا حدی فراهم کرده است. دشواری در شناسایی اعضای نمونه به دلیل پنهان بودن این جامعه، دشواری در انجام مصاحبه‌های باز با این افراد به دلیل زشت و قبیح بودن عمل پیمان‌شکنی، از جمله محدودیت‌هایی است که تعمیم یافته‌های پژوهشی را به جامعه دردسترس و هدف با محدودیت مواجه می‌کند. کمبود منابع مطالعاتی فارسی و پژوهش‌های داخلی در خصوص پیمان‌شکنی در روابط زناشویی و همکاری نکردن برخی مسئولان مراکز و مؤسسات، به دلیل حساسیت زیاد موضوع و همچنین نگرانی مراجع‌کنندگان از افشای هویت و اطلاعات شخصی از محدودیت‌های دیگر پژوهش است. لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی عوامل خطر ساز در نمونه بزرگتر و همچنین، به صورت کمی مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی پژوهشگر برای دریافت اطلاعات جامع‌تر رابطه عمیق‌تری با مشارکت‌کنندگان برقرار سازد تا این افراد با آرامش و اطمینان بیشتری تجربیات خود را ارائه دهند و چیزی را پنهان نسازند.

References

1. Chupani M, Karami, M. (2015). Investigation of psychological and social injuries based on family life cycle. Research project, Imam Hossein University, Tehran.
2. Allendorf K, Ghimire, DJ. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social Science Research*; 42(1): 59-70.
3. Munsch CL. (2018). Correction: "Her support, his support: Money, masculinity, and marital infidelity. *American Sociological Review*; 80(3): 469-95.
4. Buss DM. (2018). Sexual and emotional infidelity: Evolved gender differences in jealousy prove robust and replicable. *Perspectives on Psychological Science*; 13(2):155-60.
5. Harris C. (2018). Characteristics of emotional and physical marital infidelity that predict divorce. A Ph.D. dissertation in family psychology, Alliant International University.

¹ Kuroki

² Jeanfreau, Jurich & Mong

- among Married People. *Iranian Journal of Nursing Scientific Quarterly*; 3 (4): 18-27.
18. Momeni J, Naderi NZ. (2014). Divorce: Causes and Consequences. Tehran: Shabahang.
19. Jenkins, QT. (2015). Husband's response infidelity. (Unpublished doctoral dissertation). University of Kentucky, Kentucky, Phd..
20. Foster JD, Misra TA. (2013). It did not mean anything (about me) cognitive dissonance theory and the cognitive and affective consequences of romantic infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*; 30(7): 835-57.
21. Abdolmaleki M, Azadeh, M. (2015). Qualitative study of extramarital affairs. *Journal of Strategic Studies in Sports and Youth*; 13 (24): 128-15.
22. Fathi M, FekrAzad H, Ghaffari G, Boalhari J. (2013). Identifying the underlying factors of male marital infidelity. *Social Welfare*; 13 (51): 131-09.
23. Altgelt EE, Reyes MA, French JE, Meltzer AL, McNulty JK. (2018). Who is sexually faithful? Own and partner personality traits as predictors of infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*; 35(4): 600-614.
24. McNulty JK, Widman L. (2014). Sexual narcissism and infidelity in early marriage. *Archives of sexual behavior*; 43(7): 1315-25.
25. Sudani M, Karimi J, Mehrabizadeh H, Nisi AK. (2012). The effectiveness of emotion-focused couple therapy on reducing the harms of infidelity. *Behavioral Sciences Research Quarterly*; 10(4): 258-66.
26. Fateh Z. (2015). Causes of infidelity in Shiraz. Master Thesis in General Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.
27. Habibi Asgarabad M, Haji Heydari Z. (2015). Causes of marital infidelity from the perspective of couples referring to family court: A qualitative study. *Family Studies*; 11(42): 165-86.
28. Kuroki M. (2013). Opposite-sex coworkers and marital infidelity. *Economics Letters*; 118(1): 71-3.
29. Jeanfreau MM, Jurich AP, Mong MD. (2014). An examination of potential attractions of women's marital infidelity.